

فرشته‌ها در بارگاه الهی

ملیکا نصیری - علی عطشانی سابقه ساخت آثاری چون «کاتیوشا»، «یادم تو را فراموش»، «پارادایس»، «تلفن همراه رئیس جمهور»، و... را در کارنامه کاری خود دارد. فیلم سینمایی «دموکراسی تو روز روشن»، یکی از ساخته‌های او بود که مخاطبان را با خود همراه کرد و فیلم «سلفی با دموکراسی» که در حال حاضر در سینماهای ایران اکران است و داستان آن تقریباً در ادامه داستان فیلم «دموکراسی تو روز روشن» اتفاق می‌افتد. این فیلم داستان زندگی یک سردار دفاع مقدس که در زندگی اشتباهاتی مرتکب شده و در عالم برزخ سعی در جبران خطاهایش دارد را روایت می‌کند. «سلفی با دموکراسی» داستانی ماورایی و ژانری فانتزی دارد و پژمان بازغی، پولاد کیمیایی، کوروش تهامی، آتیلا پسیانی، سیما تیرانداز، امیرعباس گلاب، قاسم زارع، نیما شاهرخ شاهی، مهدی صبایی، مهران رجبی، دنیا مدنی، مجید میهن دوست از جمله بازیگران آن هستند. به بهانه اکران فیلم «سلفی با دموکراسی» با علی عطشانی و پولاد کیمیایی بازیگر فیلم گفت‌وگویی داشته‌ایم.



حال در چنین شرایطی به اعتقاد شما آثار سینمایی باید حاوی مفهوم و پیام برای مخاطب باشد و او را به فکر وادارد و نقش سرگرم‌سازی مخاطب را در این میان چگونه می‌بینید؟ یعنی به اعتقاد شما سینما، صنعتی برای سرگرمی است یا برای آگاهی‌رسانی؟

اگر عنصر تفریح را از سینما حذف کنیم که دیگر سینمایی باقی نمی‌ماند و ماهیتش تغییر می‌کند. فیلم سینمایی، در وهله اول باید بتواند مخاطب خود را سرگرم کند و بعد در زیر متن قصه حرف‌هایی هم فراتر از سرگرمی برای بیان کردن داشته باشد.

بخش جلوه‌های ویژه این فیلم بسیار پررنگ است و بارگاه الهی با جلوه‌های ویژه به تصویر کشیده شده است. درباره چگونگی فیلمبرداری این پلان‌ها و استفاده از جلوه‌های ویژه کمی توضیح می‌دهید؟

حجم زیادی از کار در یک استودیوی بزرگ ضبط شد که در آن جا با پرده سبز کار کردیم. باقی لوکیشن‌هایمان هم در شهر تهران بود اما قسمت عجیب این فیلم بخش جلوه‌های ویژه‌اش بود. تاکنون در اغلب آثار ایرانی جلوه‌های ویژه در نقش بازسازی چیزی به کار رفته‌اند که از قبل وجود داشته است مثل ساختمان پلاسکو و یا در جهت اصلاح و تغییر رنگ و از این قبیل مسائل به کار می‌رفته است اما در «سلفی با دموکراسی» ما «بارگاه الهی» را طراحی و اجرا کردیم. باید بگویم که تیم جلوه‌های ویژه ما واقعا کار بزرگی را به ثمر رساندند. حتی این اثر در بخش بازار فیلم جشنواره برلین نیز با استقبال روبه‌رو شد.

بارگاه الهی را می‌توان به نوعی مفهومی انتزاعی دانست. کسی تا به حال آن جا نبوده و آن را ندیده است. این مقوله انتزاعی را چگونه به قالب بصری در آوردید و به آن جان دادید؟ درباره چگونگی طراحی بارگاه الهی در ابتدا اتوهای مختلفی زدیم و ساعت‌ها به بحث نشستیم تا چیزی که طراحی می‌شود از روایات

مخاطب با کاراکترهای قصه همذات‌پنداری کند. جدا از این که ساخت فیلم درباره چنین موضوعاتی از علاقه شخصی‌ام می‌آید، چون از فیلم «دموکراسی تو روز روشن» بسیار استقبال شده بود، دوست داشتم باری دیگر داستانی را در همان فضا و اتمسفر روایت کنم در نتیجه نزد مسعود احمدیان رفتم و ایده‌ام را به ایشان ارائه‌دادم.

در فیلم‌های شما اغلب می‌بینیم که ایده و طرح اصلی قصه از آن خودتان است اما نویسنده همواره شخص دیگری بوده است. خودتان به نگارش فیلمنامه برای آثار خودتان نمی‌اندیشید؟

در زمان ساخت فیلم «سلفی با دموکراسی» فکر می‌کردم که هنوز فرصت، انرژی و توان دست به قلم شدن و نگارش فیلمنامه را ندارم، ولی حالا دیگر شروع به نوشتن کرده و فیلمنامه اثر جدیدم به نام «لوتریا» را که خارج از ایران تولید شده است خودم نوشته‌ام.

با توجه به موضوع خاصی که اثر شما آن را روایت می‌کند، فکر می‌کنید «سلفی با دموکراسی» چه قدر قابلیت دارد که مخاطبان را به سینما بکشاند؟

در ایران ساختن فیلم‌های هجو به مراتب آسان‌تر از ساخت آثار معناگرا است زیرا آثار نوع اول، مخاطب خاص خودشان را دارند. مردم ما در نود درصد از اوقات وقتی به سینما قدم می‌گذارند هدفشان این است که برای دقایقی با دور شدن از فضای مسموم روزمره به چیزی فکر نکنند و آرامش خیال داشته باشند. برای همین هم هست که همواره پرفروش‌ترین فیلم‌های ایرانی آن‌هایی هستند که صرفاً مخاطب را می‌خندانند و البته نمی‌توان از مردم انتظار داشت با این هزینه بلیت به تماشای فیلمی بنشینند که آن‌ها را باز هم به فضای جدی زندگی روزمره ببرد. البته که ما تلاش کرده و فیلم می‌سازیم اما این واقعیتی است که نمی‌توان از کنارش گذشت.

**علی عطشانی:
فرصت همکاری
با محمدرضا گلزار
فراهم نشد**



در حال حاضر فیلم سینمایی «سلفی با دموکراسی» به کارگردانی شما و در ژانری متفاوت از فیلم‌های رایج روی پرده، یکی از آثار در حال اکران است. زمان اکران این فیلم مطابق با خواسته خودتان بود؟ زمانبندی اکران فیلم را چگونه می‌بینید؟

با توجه به تراکم فیلم‌هایی که این روزها در صف اکران هستند، زمانی که از ارشاد برای اکران فیلم ما من تماس گرفتند، با این که می‌دانستم شاید زمان خیلی مناسبی برای نمایش فیلم نباشد اما به سرعت پذیرفتم که فیلم در همین زمان اکران بگیرد زیرا اگر صبر می‌کردم دیگر مشخص نبود چه زمانی دوباره نوبت به اکران فیلم من برسد. در کل هم باید بپذیریم که این روزها شرایطی خاص بر جامعه حاکم است و مردم کمتر به سینما می‌روند.

پراختن به مسائل دینی و وقتی پای ایمان، اعتقاد و باور وسط می‌آید، برای سازندگان یک اثر می‌تواند اتفاق پریسکی باشد. ممکن است فیلم در معرض ممیزی و سانسور قرار گیرد یا اصلا خود مخاطب آن را پس بزنند. از این بابت نگرانی نداشتید؟ اصلا چه شد سراغ چنین سوژه ملتهبی با چنین ساختار روایت رفتید؟

فکر می‌کنم «سلفی با دموکراسی» تنها فیلم من باشد که بدون هیچ‌گونه ممیزی اکران گرفته است. در کل باید بگویم که مسائل دینی و مقوله مرگ، موضوعاتی جهان‌شمول هستند که باعث می‌شود